

دوتا ۳۴۷	عهد عتیق ۳۰
	حزقیال - قسمت دوم
T = معلم ۱ (تعلیم توسط معلم ۱)	

(T) به برنامه " دوره شاگردسازی از رادیو " خوش آمدید. در این مجموعه تعلیمی، فرصت خواهید داشت با کتاب مقدس آشنا شوید. امروز کتاب حزقیال - بخش دوم را به شما معرفی خواهیم کرد.

نکته ۶. "تشریح معبد جدید، شهر جدید و سرزمین جدید اسرائیل".

حزقیال فصول ۴۰-۴۸ درباره زمان "معبد جدید، شهر جدید و سرزمین جدید اسرائیل" نبوت می‌کند. حزقیال زمان پرشکوه نهایی را پیشگویی می‌کند که در آن "ملکوت خدا" در اسرائیل جدید به کمال می‌رسد.

اول. "سازگاری بین تجدید حیات درونی و اشکال بیرونی".

حزقیال اعلام می‌کند که "تجلی جلال خدا" (۳۹: ۲۱) و "نزول روح خدا" (۳۹: ۲۹) باید در حیات جدید در سرزمین جدید نمودار شود. جلال خدا نه تنها بر فراز زمین مورد تجلیل قرار می‌گیرد، بلکه بر زمین نیز در قالبهای حیات نو نزول می‌کند. خداوند می‌خواهد آفرینش تازه‌اش را در کمال خود سهیم سازد. در تصویر نبوتی حزقیال، قالبهای نوین حیات در معبد جدید، مراسم جدید در معبد و سرزمین و شهر جدید متجلی می‌شوند (اشعیاء ۱۱: ۱-۹؛ مکاشفه ۲۱-۲۲).

قابل ذکر است که حزقیال ۴۰-۴۸ از "اصلاح قالبهای قدیمی" زندگی در اسرائیل سخن می‌گوید، نه آفرینش "قالبهای جدید حیات" در آن. قالبهایی که موسی در شریعت دریافت کرد، بنیاد قالبهای نوین زندگی در اسرائیل جدید باقی می‌مانند. اما این قالبهای تازه زندگی توسط روح القدس پر می‌شوند و بنابراین قالبهای قدیمی حیات از جنبه‌های مختلف تغییر خواهند کرد. حزقیال نه تنها تجدید حیات درونی از طریق دل نو و روح نو را پیشگویی کرد، بلکه همچنین نبوت کرد که این تجدید حیات درونی قالب بیرونی تازه‌ای خواهد داشت. پیام وی این است که بدنی تازه به روح تازه تعلق خواهد گرفت. تنها زمانی که تمام جهان انعکاس جلال خدا شود، عظمت خدا تأیید خواهد شد. حزقیال نبوت کرد که این مکاشفه جلال خدا در آینده "در اسرائیل و از طریق آن" اتفاق خواهد افتاد. از مقایسه حزقیال ۱ با حزقیال ۴۰-۴۸، می‌بینیم که جلال خدا، که کروی آن را به شکلی ماورایی نشان داد، در اسرائیل و از طریق آن به تمام جهان منتقل خواهد شد. این امر به این ترتیب نمایش داده شده که کروی "مستقیم" به جلو می‌رود (۱: ۹ و ۱۲) و قوم جدید اسرائیل نیز هنگامی که در اعیاد بزرگ برای پرستش خداوند می‌آیند "مستقیم" به جلو می‌روند (۴۶: ۹). "اسرائیل جدید بر روی زمین مانند کروی خواهد بود در آسمان". درست همانطور که کروی‌بان حاملان حیات الهی هستند، در اسرائیل جدید نیز نهر حیات جاری خواهد بود (۴۷: ۱-۱۲). تخت پادشاهی خداوند، که بر بالای سر کروی‌بان معلق است (۱: ۲۶)، در معبد جدید جای می‌گیرد (۴۳: ۷). نام تازه شهر جدید "خداوند آنجاست" خواهد بود (۴۸: ۳۵). درست همانطور که تخت به شکل مربع بود (۱: ۵-۹)، محیط معبد تازه (۴۲: ۱۵-۲۰)، شهر جدید (۴۸: ۱۵-۱۷) و کل محیط شهر، کاهنان و لایوان (۴۸: ۲۰)، که مرکز جدید اسرائیل جدید خواهد بود، نیز شکل مربع خواهند داشت (مکاشفه ۲۱: ۱۵-۱۶). به این ترتیب، هر "قالب بیرونی بر روی زمین با حیات درونی تازه پر می‌شود". در معبد تازه، مردم، کاهنان، و پادشاه داخل و خارج می‌شوند تا قربانی‌های تازه تقدیم کنند و اعیاد جدید را جشن بگیرند. همه قبایل در شهر جدید سهیم هستند و هر قبیله دروازه خود را دارد (۴۸: ۳۰-۳۴؛ مکاشفه ۲۱: ۱۲-۱۳). و هر قبیله ارث مساوی از سرزمین تازه می‌برد. پس، رویای حزقیال درباره خود خداوند در فصل ۱ به رویایش در فصل‌های ۴۰-۴۸ منتهی شد که نشان داد معبد تازه، شهر تازه و سرزمین تازه چگونه خواهند بود. حزقیال نشان می‌دهد که "وقتی خدا حیات خود را به انسان درونی عطا کند، این حیات در قالبهای بیرونی که در سازگاری با واقعیت درونی هستند نیز تجلی خواهد یافت". نشان می‌دهد که "روح خدا از تطابق بیرونی به تطابق بیرونی نیست، بلکه از تجدید حیات درونی به تجدید حیات بیرونی است". حیات و قدرت تازه موجود در انسانهای تازه همواره قالبهای تازه‌ای را به زندگی بیرونی‌شان تحمیل می‌کند.

دوم. "جامعه جدید دیگر تحت سلطه گناه زندگی نمی‌کند".

با آنکه اسرائیل جدید بر روی زمین زندگی خواهد کرد، لیکن حزقیال اسرائیل جدید را طوری توصیف می‌کند که گویی دیگر تحت قدرت ویرانگر گناه نیست. حقوق و وظایف پادشاه بسیار محدود است: گفته نشده که باید عدالت را در سرزمین حفظ کند یا از آن در مقابل حملات دفاع نماید یا رفاه مادی را در آن بهبود بخشد، بلکه تنها باید هدایای اعیاد بزرگ را فراهم کند (۴۵: ۹-۱۷). این در مورد مردم هم صدق می‌کند: کل وظیفه آنها در تقدیم قربانی خلاصه می‌شود (۴۶: ۱۹-۲۴). پادشاه از وظیفه کوچک خود راضی است، لایوان می‌پذیرند که دیگر نباید به عنوان کاهن خدمت کنند، و کاهنان بدون هیچ مقاومتی تعلیم می‌دهند و داوری می‌کنند. مشارکت مالی بدون هیچ زحمتی برقرار می‌شود. در تجارت و صنعت دروغ و نیرنگ دیگر جایی ندارند. فقیر دیگر از غنی نمی‌ترسد. اعیاد خودبخود جشن گرفته می‌شوند. مطلقاً نشانی از مداخله حکومت به چشم نمی‌خورد. "این تصویر جامعه‌ای است که دیگر تحت سیطره گناه زندگی نمی‌کند". تسلط گناه از آن برداشته شده است (رومیان ۶: ۶-۷).

نکته ۷. "ارتباط بین نبوت‌های حزقیال و تعلیم عهد جدید"

حزقیال پیامبر دوران عهد عتیق است، لیکن بر حسب واقعه‌های عهد عتیق درباره عهد جدید نبوت می‌کند.

اول. "انبیاء عهد عتیق همه وقایع آینده را تنها از دیدگاه نبوتی مشاهده می‌کردند".

حزقیال تمامی رویدادهای زمان آخر (آخرت) را بگونه‌ای توصیف کرد که گویی در زمانی نزدیک به زمان خود او رخ خواهند داد. دلیل این امر این است که وی تنها می‌توانست همه چیز را از دیدگاه نبوتی ببیند، یعنی همه وقایع آینده را به صورت یک

تصویر کلی می‌دید که در آن ارتباطات بین قسمت‌های مجزا در واقع متفاوت از آن چیزی بود که به نظر می‌رسید. گویی در کنار ردیفی از درختها ایستاده بود، بطوری که درختهای نزدیک به خود را از هم تشخیص می‌داد، اما هر چه درختها از او دورتر می‌شدند، بیشتر در هم فرو می‌رفتند. می‌توانست ببیند که رویدادهایی در زمان آخر (آخرت) اتفاق خواهند افتاد، ولی نمی‌توانست بوضوح تشخیص دهد کی رخ خواهند داد. از نظر انبیای عهد عتیق، همگی این رخدادهای زمان آخر "در روزهای آخر"، "در زمانی در آینده" با هم اتفاق می‌افتادند.

برای مثال، پیامبران عهد عتیق نبوت کردند که آمدن مسیح و نزول روح‌القدس بلافاصله پس از بازگشت اسرائیل از تبعید در بابل و استرداد سرزمین اسرائیل اتفاق خواهد افتاد و پس از آن فوراً داوری نهایی ملل بی‌خدا و تجدید حیات کل زمین صورت خواهد گرفت. پیشگویی کردند که این رویدادها همه با هم در ایام آخر بوقوع خواهند پیوست. اما کتاب‌مقدس بروشنی تعلیم می‌دهد که این رویدادها قرن‌ها از هم فاصله دارند. ظهور عیسی مسیح و نزول روح‌القدس ۵ قرن بعد از بازگشت اسرائیل از اسارت بابل و استرداد سرزمین اسرائیل رخ داد. خداوند به انبیاء آشکار نکرد که فاصله زمانی بسیار بزرگتری بین این رویدادها وجود خواهد داشت.

نگرش نبوتی پیامبران همچنین توجیه می‌کند که چرا حزقیال آنچه را در رویاهایش دید توصیف نمود، بی آنکه نسبت‌های واقعی را مد نظر قرار دهد. کوهستان معبد، "کوهستان بسیار مرتفعی" است، در حالی که کوه زیتون چنین نبود (۴۰: ۲). ساختمانهای جدید معبد از شهر جدید جدا بودند، (۴۸: ۱۵) حال آنکه در زمان پادشاهان چنین چیزی صدق نمی‌کرد و از لحاظ جغرافیایی نیز غیرممکن بود. سرزمین جدید کنعان به صورت مستطیلی طویل می‌باشد و ناحیه ساحلی فلسطین ضمیمه آن شده است، لیکن بخشی از اسرائیل که در قسمت شرقی اردن قرار دارد نادیده گرفته می‌شود، در حالیکه هیچیک از این واقعیت‌ها در دوران پادشاهان مصداق نداشت (۴۸). و بالاخره، تمام قبایل در جای متفاوت از آنجایی که قبلاً سهم داشتند، ارث‌های مساوی می‌برند. این ارث‌ها برشهای موازی‌ای هستند از زمین که از دریای مدیترانه تا رود اردن امتداد دارند.

دوم. "انبیای عهد عتیق از این راز که نقشه آینده خدا ملل غیر یهودی را نیز در بر می‌گیرد، بی‌خبر بودند".

بر اساس افسسیان ۳: ۲-۶ انبیاء عهد عتیق از این "راز" آگاه نشده بودند که از طریق انجیل غیر یهودیان نیز همراه با قوم اسرائیل صاحب میراث خواهند شد (رومیان ۸: ۱۶-۱۷)، یهودیان و غیر یهودیان ایماندار اعضای یک بدن خواهند بود که همان کلیساست (افسسیان ۲: ۱۵-۱۶)، و یهودیان و غیر یهودیان در وعده‌های که خدا به اسرائیل داد با هم شریک خواهند شد (دوم قرنتیان ۱: ۲۰-۲۲). انبیای عهد عتیق از این راز یا نقشه خدا آگاه نبودند که ملل غیر یهودی همراه با اسرائیل و در موقعیتی معادل با اسرائیل وارثان این جلال آتی خواهند شد (افسسیان ۲: ۱۱-۲۲؛ اول پطرس ۱: ۱۰-۱۲). دوم قرنتیان ۱: ۲۰ می‌فرماید که همه وعده‌هایی که خدا در کتاب‌مقدس داده است در عیسی مسیح «آری» و «آمین» هستند. این بدان معناست که "همه وعده‌هایی که خداوند در طول دوران عهد عتیق به ایمانداران اسرائیلی به عنوان «قوم خود» داده، وعده‌هایی هستند برای تمام کسانی که به عیسی مسیح ایمان دارند". اگرچه انبیاء عهد عتیق این حقیقت را نمی‌دانستند، رسولان عهد جدید از این حقیقت آگاه بودند. برای مثال، در رومیان ۹: ۲۵-۲۶، پولس رسول به دو وعده اشاره می‌کند که خداوند در زمان عهد عتیق به "اسرائیل" داد، لیکن آنها را وعده‌هایی می‌داند که در عهد جدید شامل حال "غیر یهودیان" نیز می‌شوند. وی هوشع ۲: ۲۳ و ۱: ۱۰ را نقل می‌کند که در آنها بین طرد ملت اسرائیل و سپس پذیرش آنها در عهد عتیق، و نیز مستثنی شدن اولیه ملل غیر یهودی از پیمان خدا و سپس پذیرفته شدن آنها نوعی موازات وجود دارد (افسسیان ۲: ۱۱-۲۲).

چون پیامبران عهد عتیق از راز یا نقشه خدا مطلع نبودند، حزقیال تنها توانست جلال آینده خدا را آنچنان که «در اسرائیل و از طریق آن» رخ می‌داد ببیند. تصویر حزقیال از جلال آتی ملکوت خدا از مرزهای قوم عهد عتیق خدا فراتر نمی‌رود. حزقیال پیش از زمان وقوع، یعنی ظهور عیسی مسیح می‌زیست، پس فقط توانست پرستش خدا در آینده را بر حسب آن چیزی توصیف کند که مردم زمان وی قادر به درکش بودند، یعنی بر اساس معبد عهد عتیق و مراسم آن (فصول ۴۰-۴۸)، و نه بر مبنای پرستش عهد جدید خدا "به روح و راستی" (یوحنا ۴: ۲۳-۲۴). حزقیال تنها توانست مکاشفه آینده جلال خدا را بر اساس اشکال عهد عتیق، از قبیل قوم اسرائیل، معبد و قربانیه‌ها و کاهنانش، و سرزمین اسرائیل به تصویر کشد. خداوند به حزقیال مکاشفه‌ای درباره شکوه آتی تمامی قوم آینده خود عطا کرد، اما "تنها در قالب کلمات و تصاویر و در چارچوب امکانات قابل مراجعه که برای یهودیان آن زمان قابل درک باشد".

سوم. "نبوت‌های عهد عتیق را باید با توجه به مکاشفه عهد جدید تفسیر نمود".

دوم قرنتیان ۳: ۱۴ می‌فرماید: "حتی امروز نیز که یهودیان کتاب آسمانی تورات را می‌خوانند، گویی بر قلب و فکرشان نقابی قرار دارد... این نقاب که مانع فهمیدن است، فقط با ایمان آوردن به مسیح برداشته می‌شود." بنابراین، هر که تلاش کند نبوت‌های عهد عتیق را بدون مکاشفه جدید و کاملی که عیسی مسیح به ارمغان آورد، درک کند، مانند کسی خواهد بود فکر و قلبش با نقابی پوشیده شده است. تفسیر صحیح نبوت‌های عهد عتیق بدون مکاشفه عهد جدید غیرممکن است. کولسیان ۲: ۱۷ و عبرانیان ۱: ۱۰ می‌فرمایند که شریعت عهد عتیق و اشکال آن "«سایه‌ای» هستند از چیزهایی که قرار است بیایند؛ در حالی که «واقعیت» در مسیح یافت می‌شود." از این رو، "مکاشفه عهد عتیق همیشه باید با توجه به مکاشفه عهد جدید تفسیر شود." "«سایه‌های» مکاشفه عهد عتیق همواره باید بر مبنای «واقعیات» مکاشفه عهد جدید تفسیر شوند." تعلیم عهد عتیق درباره زمان آخر (آخرت) آموزه عهد عتیق مربوط به زمان آخر را بسیار آشکارتر می‌کند و نشان می‌دهد که ایمانداران نه تنها شامل اسرائیل بلکه ایمانداران ملل غیر یهودی را نیز در بر می‌گیرد. مکاشفه عهد جدید تعلیم می‌دهد که نقشه خدا برای زمان آخر شامل همه قوم خدا می‌شود، چه یهودی ایماندار به مسیح باشند و چه غیر یهودی معتقد به وی.

نکته ۸. پیامهای اصلی که حزقیال نبوت کرد.

اول. "حزقیال پیامهای داوری را نبوت کرد".

در فصل‌های ۱-۲۴، حزقیال داوری خدا بر بازمانده یهودی فاسد ساکن در اورشلیم و یهودیه را نبوت کرد تا سبب شود یهودیان تبعیدی در بابل دیگر بر صدقیا پادشاه امید نبندند و نیز انتظار نداشته باشند که خیلی زود از تبعید به یهودیه بازگردند. وی بر ضد طرق گناه‌آلود یهودیان، بخصوص بر علیه بت‌پرستی شنیع آنان و بی‌وفایی‌شان به خداوند پیشگویی نمود. بر علیه رهبران فاسد اسرائیل، پادشاهان شرور، کاهنان فاسد و انبیاء دروغین نبوت کرد. نبوت‌های حزقیال در مورد داوری بر ضد رهبران اسرائیل بسیار عالی در فصل ۲۲: ۲۳-۳۱ خلاصه می‌شود. پادشاهان مانند شیرهایی هستند که دارایی مردم خود را غارت می‌کنند و آنها را می‌کشند. کاهنان تعلیم می‌دهند که بین مقدس و غیرمقدس و پاک و ناپاک فرقی نیست و به این ترتیب شریعت خدا را زیر پا می‌گذارند. مقامات حکومتی همانند گرگهایی هستند که مردم را می‌درند تا بی‌عدالتی را دوباره برقرار کنند. و انبیاء تمام اعمال فسادآلود رهبران را از طریق رویاهای دروغین و پیشگویی‌های کاذب کتمان می‌کنند. و در نهایت، مردم سرزمین مرتکب اخاذی، سرقت و تعدی نسبت به فقرا و نیازمندان شده و با امتناع از اجرای عدالت، با بیگانگان بدرفتاری می‌کنند. در فصل‌های ۲۵ تا ۳۲ حزقیال پیشگویی می‌کند که در زمان حملات نبوکدنصر خداوند بر اقوامی که یهودیه را محاصره کردند داوری می‌کند.

دوم. "حزقیال پیام نجات را نبوت می‌کند".

پس از ویرانی اسرائیل قدیم که یهودیه، اورشلیم و معبد آن را شامل می‌شد، حزقیال نبوت درباره بازسازی اسرائیل نوین را آغاز کرد. وی بازگشت از تبعید، استرداد سرزمین اسرائیل، بازسازی سرزمین اسرائیل، تجدید حیات قوم اسرائیل و شکست نهایی اقوام مخالف اسرائیل جدید را پیشگویی کرد. اما این تغییر از اسرائیل قدیم به اسرائیل جدید بدون آمدن مسیح بوقوع نخواهد پیوست که پادشاه اسرائیل جدید خواهد بود و تا ابد بر اسرائیل جدید شبانی خواهد کرد. این تغییر از اسرائیل قدیم به اسرائیل جدید بدون توبه، ایمان آوردن، تازه شدن دل و ساکن شدن روح‌القدس رخ نخواهد داد. بعلاوه، این تغییر از اسرائیل قدیم به اسرائیل جدید به دلیل اینکه ایشان یهودی‌اند یا به‌سبب اعمال ایشان انجام نخواهد شد، بلکه تنها به خاطر خود خدا و آنچه او انجام می‌دهد رخ خواهد داد. آینده پر جلال اسرائیل جدید بر فیض خدا استوار خواهد بود نه بر اعمال شریعت. بنابراین، حزقیال آمدن مسیح را نبوت می‌کند و او را داود، آن خدمتگزار خدا می‌خواند. و از این رو، مسئولیت فردی انسان برای توبه و ایمان آوردن و اصلاح زندگی خود را اعلام می‌نماید.

سوم. "حزقیال مسئولیت فردی هر شخص را اعلام می‌کند".

حزقیال ۱۸ می‌گوید کسانی که با حزقیال مخالف بودند متلی را بکار می‌بردند که می‌گوید، "غوره را پدران خوردند و دندان فرزندان کند شد". آنها اجداد خود را برای همه بلاهایی که بر سرشان می‌آمد ملامت می‌کردند. "کتاب مقدس مسئولیت مشترک انسانها در قبال ملت، کلیسا و خانواده و نیز مسئولیت فردی هر شخص را تعلیم می‌دهد." ده فرمان در خروج ۲۰ می‌فرماید که خداوند فرزندان کسانی را که با وی دشمنی کنند به خاطر گناه والدین تا نسل سوم و چهارم مجازات می‌کند، در حالیکه بر کسانی که خدا را دوست داشته باشند و دستوراتش را پیروی کنند، تا هزار پشت رحمت می‌نماید. ده فرمان بر نفوذ مثبت یا منفی تاکید می‌کند که والدین می‌توانند بر فرزندان خود داشته باشد، تا آنان را از نافرمانی از خداوند باز دارند و یا تشویقشان کنند که از خداوند اطاعت نمایند. ده فرمان در مورد شرارت‌هایی تذکر می‌دهد که هنوز انجام نشده‌اند و مردم را آگاه می‌سازد که گناهان شخصی آنان نه تنها بر خودشان بلکه بر نسل‌های بعد از آنها نیز اثر می‌گذارد. در مقابل، حزقیال در مورد شرارت‌هایی تذکر می‌دهد که قبلاً انجام شده‌اند و مردم را آگاه می‌سازد که خداوند آنها را مسئول گناهان خودشان می‌داند. تاکید می‌کند که هر فرد در مورد نحوه زندگی خود بر روی زمین مسئول است. آیات ۲۱-۲۲ می‌فرماید: "اگر شخص شروری از تمام بدیها و گناهان خود دست بکشد و مطیع احکام و قوانین من گردد و راستی و انصاف را پیشه خود سازد، به یقین زنده مانده، نخواهد مرد. تمام گناهان گذشته او آمرزیده خواهد شد و بسبب راست کرداری‌اش، زنده خواهد ماند." در حالی که آیات ۲۳-۲۴ می‌فرمایند، "اما اگر شخص درستکار عدالت را ترک گوید و مرتکب گناه گردد و مانند سایر گناهکاران رفتار کند... تمام خوبی‌های گذشته‌اش نادیده گرفته می‌شود... خواهد مرد." بنابراین حزقیال تعلیم می‌دهد که "اصل مسئولیت متقابل بین پدران و فرزندان اصل مسئولیت فردی را منسوخ نمی‌کند."

چهارم. "حزقیال ایمان آوردن و تازه شدن دل را اعلام می‌کند".

در حزقیال ۱۸: ۳۰-۳۱ حزقیال نبی نیاز به توبه و دوری از گناه را اعلام می‌کند. این تبدیل به تولد تازه ربط پیدا می‌کند که حزقیال نیز از آن سخن می‌گوید. تنها زمانی که انسانها از زندگی گناه‌آلود خود دست بکشند و توسط روح خدا از سر نو متولد شوند، قوم واقعی خدا خواهند بود و خدا خدای واقعی آنان خواهد بود (۱۱: ۱۸-۲۰). "کار خدا نه تنها انسانها را از زندگی فاسدشان بیرون می‌کشد، بلکه آنها را نجات می‌دهد تا قوم تجدید حیات یافته وی گردند."

پنجم. "حزقیال آمدن مسیح را پیشگویی می‌کند".

حزقیال ۱۷: ۲۲-۲۴، آمدن مسیح را به صورت شاخه نازکی از نوک درخت سروی به تصویر می‌کشد که نماینده خاندان داود است که بر روی کوهستان مرتفع اسرائیل کاشته می‌شود. این شاخه درخت سرو باشکوهی خواهد شد که همه نوع پرند در آن آشیانه می‌سازند و در سایه شاخه‌هایش پناه می‌گیرند. درختان دیگر، یعنی سایر اقوام، خواهند دانست که خداوند حاکمانه پادشاهان یهودا را نابود کرد، لیکن پادشاهی مسیح را بر پا نمود. خداوند پادشاهی تجزیه‌شده اسرائیل و یهودا را هنگام بازگرداندن ایشان از تبعید به سر زمین خودشان، متحد خواهد ساخت (۳۴: ۲۰-۳۱؛ ۳۷: ۲۱-۲۸). در آنجا خداوند آنان را از هر نوع انحراف گناه‌آلود نجات داده، پاک خواهد کرد. آنان قوم خدا خواهند بود و او خدای آنها. و خدمتگزارش داود بر آنان

پادشاهی و شبنانی خواهد کرد. ایشان تا ابد در امنیت و آرامش زندگی خواهند نمود، در حالی که معبد خداوند تا ابد در میان آنهاست و مسیح تا ابد پادشاهشان.

کاملاً روشن است که "حزقیال دوره کوتاهی از کامیابی قوم اسرائیل تحت پادشاهی مسیح را توصیف نمی‌کند، بلکه شرايطی جدید جاودانی را وصف می‌کند که تنها با آسمان و زمین تازه عهد جدید قابل قیاس است".

در هر حال حزقیال به عهد عتیق تعلق داشت، بنابراین قادر بود جلال اسرائیل جدید در آینده را تنها به صورتی توصیف کند که برای مردم اسرائیل قدیم قابل درک باشد، یعنی بر مبنای معبد جدید و پرستش تازه آن، شهر و سرزمین تازه، و قوم تازه ساکن در سرزمین تازه. خداوند نقشه آینده خود را که در آن ملل غیریهودی همراه با اسرائیل و در موقعیتی معادل با اسرائیل وارثان این جلال آینده خواهند شد، بر حزقیال مکتوف نکرد. این نقشه تنها با آمدن عیسی مسیح بر رسولان مکتوف و در عهد جدید توصیف شد".

تکلیف برای هفته آینده

- اول. در طول هفته آینده دانیال فصلهای ۱ تا ۶ را بخوانید. هفته آینده کتاب دانیال - قسمت اول را معرفی خواهیم کرد.
- دوم. کتابهای دستور عمل "بروید و ملکوت خدا را موعظه کنید" را ملاحظه کرده و به آدرس اینترنتی www.dota.net مراجعه کنید. این آدرس را به حروف تکرار میکنم....
- سوم. هر شنبه تا چهارشنبه به برنامه "دوره شاگردسازی از رادیو" گوش دهید.